

**یادداشت**  
**سید جلال دهقانی فیروزآبادی** | استاد روابط بین الملل

### شکل‌گیری «منطقه توافق» بین ایران و آمریکا

استمرار و تداوم گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان ایران و آمریکا خود یک نشانه مثبت به‌شمار می‌رود. این تداوم نشانگر توافق دوطرف بر ادامه مسیر گفت‌وگوست و دلالت بر این دارد که دوطرف، بر سر برخی اصول کلی و اهداف مذاکراتی به تفاهم رسیده‌اند. از سوی دیگر، توافق درباره ورود به بحث‌های فنی و کارشناسی، حکایت از این می‌کند که در کلیات و اصول اصلی، توافق حاصل شده و اکنون دوطرف آماده‌اند تا در جزئیات نیز مذاکره و رایزنی کنند. البته، این به معنی دستیابی به توافق نهایی و قطعی نیست؛ بلکه تازه ابتدای راه دشوار و پیچیده گفت‌وگوهاست. چرا که معمولاً اختلافات و چالش‌ها در جزئیات پدیدار می‌شود و همان‌طور که معروف است، «شیطان در جزئیات است»، در هر حال استمرار مذاکرات خود نشانه‌ای در حصول تفاهم در برخی اصول و اهداف کلان است. اگر چنین اتفاقی رخ ندهاد بود، گفت‌وگوها متوقف می‌شد و روند کنونی ادامه نمی‌یافت. بررسی دقیق‌تر موضوع، نشان می‌دهد که این طرف آمریکایی است که در برخی موضوعات، دیدگاه خود را به جمهوری اسلامی ایران نزدیک‌تر کرده، به این معنی که مقامات آمریکایی بعد از دور اول مذاکرات، مواضع ضدونقیضی را ابراز داشته‌اند؛ مبنی بر این‌که به‌زنامه هسته‌ای ایران باید برچیده شود یا موضوعات دیگر اما توافق بر تداوم گفت‌وگوها نشان می‌دهد که علی‌القاعده آمریکا در نشست‌های رسمی مواضع رسانه‌ای خود را تعدیل یا از آن عدول کرده است. پذیرش اصل صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و امکان غنی‌سازی در چهارچوب مقررات، همواره یکی از اصول ثابت جمهوری اسلامی بوده؛ آمریکا نیز ظاهراً اکنون ناچار به پذیرش این اصل شده است. در مجموع می‌توان گفت که ادامه مذاکرات و ورود به بحث‌های فنی و تخصصی، نشان از شکل‌گیری تفاهمی میان دوطرف دارد، به‌ویژه که توافق صرفاً در مورد موضوع هسته‌ای باشد. همچنین احتمالاً تفاهمی میان دوطرف در مورد اصل و هدف اساسی ایران که کاهش و رفع در درجه اول برخی تحریم‌ها و در نهایت رفع تمام تحریم‌های حداقل هسته‌ای و دسترسی ایران به پول‌های بلوکه‌شده صورت گرفته و موضع دوطرف به‌هم نزدیک شده باشد. بنابراین ادامه نشست‌ها و ورود به مباحث فنی نشان‌دهنده این است که طبیعتاً یک منطقه توافقی بین دوطرف شکل گرفته و حداقل‌ها و به‌ویژه خط‌مقرمزهای ایران رعایت شده‌و آمریکا از مواضع اولیه و واشنگتن خود عدول کرده‌است. در عین حال یکی از مسائل آشکار و قابل توجه در مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا، حضور و تأثیرگذاری عناصر افراطی در دولت ترامپ است. این جریان که توسط افرادی چون روبیو هدایت می‌شوند، نه تنها بر توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران اصرار دارند بلکه در پی محدودسازی توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی نیز هستند. درمقابل، طیفی دیگر از سیاستمداران آمریکا با مواضع متعادل‌تر معتقدند اهداف حداکثری علیه ایران غیرقابل دسترس است. این گروه تأکید دارند اگر واشنگتن خواهان حل و فصل اختلافات از راه دیپلماسی است، باید از مطالبات زیاده‌خواهانه فاصله‌گرفته و کف مطالبات ایران را در نظر بگیرند. همیشه این کشاکش داخلی در آمریکا موجب اتخاذ رویکردهای زیگزاگی و بی‌ثباتی در سیاست خارجی واشنگتن می‌شود؛ مسأله‌ای که وزیر خارجه کشورمان نیز به آن اشاره داشته که این‌گونه مواضع بی‌اعتمادی مضاعف تهران را نسبت به طرف آمریکایی موجب شده است. افزون بر این و در رأس بازیگران مخرب؛ نقش آفرینی رژیم صهیونیستی و شخص بنیامین نتانیاهو نیز بر پیچیدگی‌ها افزوده است. رژیم صهیونیستی آشکارا به‌رگونه پیشرفت در مذاکرات مخالفت کرده و در عرصه دیپلماتیک و رسانه‌ای، تلاش می‌کند روند مذاکرات را با چالش مواجه سازد و هم به لحاظ دیپلماتیک و هم فضای رسانه‌ای کارشکنی خواهد کرد. درخصوص طرف اروپایی نیز ابهاماتی وجود دارد. برخی مقامات اروپایی اعلام کرده‌اند مذاکرات ایران و آمریکا باید منافع اروپا را در پی داشته باشد، بنابراین این موضوع نیز می‌تواند چالشی باشد که آیا آمریکا تعهد می‌دهد مانیسم ماشه فعال نشود؟ اینها چالش‌هایی است که مذاکرات را با موانعی روبه‌رو می‌کند. در کنار مسائل کلان، اختلافات فنی نیز به چالش‌های مذاکرات افزوده است؛ از نوع و کیفیت راستی‌آزمایی و نظارت بر برنامه هسته‌ای تا نحوه رفع یا تعلیق تحریم‌ها. این‌که آیا تحریم‌ها فقط محدود به هسته‌ای خواهد بود یا ابعاد دیگر را نیز در بر خواهد گرفت. ازجمله موضوعات حساس، موضوع مواد غنی‌شده است؛ میزان کاهش درصد غنی‌سازی، محل نگهداری مواد (داخل ایران یا کشور ثالث)، نحوه فروش یا مبادله آن و ضمانت‌های مرتبط، همه از بخش‌های تعیین‌کننده در فرآیند مذاکرات به‌شمار می‌رود. به‌طور کلی، حتی در صورت دستیابی دوطرف به توافقات کلی و اصولی، چالش‌های اجرایی بعد از امضای هر تفاهمی نیز همچنان پررنگ و پیچیده خواهد بود. با این حال، مسیر گفت‌وگوها در مجموع مثبت‌ارزیایی می‌شود و در مسیر درستی پیش می‌رود.

**«جام جم» در گفت‌وگو با دکتر سیدمحمد مرندی، مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو در دستیابی تهران و واشنگتن به توافق را بررسی کرد**

# تهدید مذاکرات از درون آمریکا

**در میان امواج متلاطم تحولات جهانی، نام ایران به‌دلیل دور جدید مذاکرات غیرمستقیم با ایالات متحده در صدر اخبار قرار گرفته است اما این مذاکرات- که در سایه ابهام و تردید پیش می‌رود- چه سرنوشتی خواهد داشت ؟ درحالی‌که مقامات ایرانی از «فضای سازنده» مذاکرات سخن می‌گویند و بر لزوم «احتیاط» تأکید می‌کنند، واشنگتن سیاست «زیگزاگی» را در پی گرفته و هربار اظهارات ضدونقیضی را مطرح می‌کند. از یک سو نشانه‌هایی از انعطاف در مواضع آمریکایی‌ها دیده می‌شود و از سوی دیگر، همچنان بر حجم تحریم‌ها افزوده می‌شود. سؤالات بی‌شماری در ذهن ناظران نقش بسته است: هدف واقعی ترامپ از این مذاکرات چیست؟ آیا او حاضر است برای رسیدن به توافق امتیاز بدهد و مهم‌تر از همه این‌که چگونه می‌توان به تعهدات آمریکا در صورت حصول توافق اعتماد کرد؟ جام‌جم در گفت‌وگو با دکتر سیدمحمد مرندی، تحلیلگر سیاسی و مشاور رسانه‌ای تیم مذاکره کننده کشورمان در دولت سابق، آخرین تحولات مربوط به مذاکرات و چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو را مورد بررسی قرار داده است. آیا تهران و واشنگتن می‌توانند بر بی‌اعتمادی‌ها غلبه کرده و به توافقی پایدار دست یابند؟ یا این‌که سیاست «زیگزاگی» آمریکا، این فرصت را نیز از بین خواهد برد؟ متن کامل این گفت‌وگو به شرح زیر است:**

**[۱] ارزیابی شما از برگزاری دور اول و دوم مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا که در عمان و ایتالیا برگزار شد چیست؟ با توجه به تفاوت میان مواضع علنی و رفتار آمریکا، مسیر مذاکرات را در وضعیت فعلی چگونه می‌بینید؟**

براساس اطلاعاتی که به‌دست آمده و ارزیابی فضای مذاکرات غیرمستقیم به نظر می‌رسد مواضع اعلام‌شده آمریکا با آنچه در جلسات داخلی رخ می‌دهد متفاوت است. اگرچه مواضع علنی نیز گاه متناقض به نظر می‌رسند اما براساس سخنان وزیر خارجه و سخنگوی این وزارتخانه شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهند مسیر مذاکرات حداقل از جانب آمریکا با احتیاط و تردید دنبال می‌شود.

به‌عنوان نمونه، در اظهارات اخیر مقامات آمریکایی نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران، مواضع دوگانه‌ای دیده‌ایم؛ به‌گونه‌ای که گاه برخوردی مثبت با پیشرفت‌های فنی ایران مانند پروژه بوشهر، مشاهده می‌شود اما در ادامه تحرکات و سیاست‌های آمریکا همچنان بی‌اعتماد و مبهم باقی می‌ماند. ویتکاف در مصاحبه‌ای از حق ایران برای غنی‌سازی صحبت می‌کند اما پس از آن حق ایران برای این اقدام را نادیده می‌گیرد.

**[۲] با توجه به اعلام آقای عراقچی درباره فضای سازنده مذاکرات و تأکید ایشان بر لزوم احتیاط، ارزیابی شما از پیشرفت واقعی مذاکرات در این دورها چیست و تا چه اندازه می‌توان نسبت به آینده آنها خوشبین بود؟**

ایشان تأکید داشتند که باید محتاط باشیم چراکه هنوز برای جمع‌بندی و ارزیابی دقیق مسیر آمریکا زود است؛ به‌ویژه با توجه به رفتار غیرقابل پیش‌بینی دولت ترامپ لازم است با دقت و تأنی مسیر مذاکرات را دنبال کنیم. در عین حال



**نیست همخوانی دارد.**

با اطمینان نمی‌توانم درباره هدف ترامپ از ورود به مذاکرات صحبت کنم. در برخی اخبار آمده که وی به‌دلیل نزدیکی به صهیونیست‌ها و کمک مالی‌ای که ثروتمندان صهیونیست برای انتخابات به وی داشته‌اند مواضع تندی را اتخاذ می‌کند و برخی دیگر می‌گویند ترامپ می‌خواهد توافق با ایران را به‌نام خود برند. این دو روایت از هدف ترامپ، هم می‌تواند در تناقض با هم باشد و هم در راستای یکدیگر اما در مجموع نمی‌توانم ارزیابی درستی از نیت واقعی ترامپ از ورود به مذاکره با ایران داشته باشم.

**[۳] آیا ترامپ حاضر خواهد شد به خواسته‌های اساسی ایران از جمله رفع تحریم‌ها تن دهد؟**

پاسخ به این پرسش دشوار است چراکه رفتار و تصمیمات ترامپ طی سال‌های اخیر نشان داده همواره با بی‌ثباتی و چرخش‌های ناگهانی همراه است. این بی‌ثباتی را هم در عرصه جنگ تجاری شاهد بودیم و هم در قبال مسائل منطقه‌ای مانند نسل‌کشی غزه که یک‌روز طرفدار آتش‌بس است و روز دیگر طرفدار نسل‌کشی. در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران هم یک‌روز سخنان تندی مطرح می‌کند و یک‌روز ملایم می‌شود. در مورد ترامپ نمی‌توان پیش‌بینی درستی داشت. البته‌که این موضوع مسیر مذاکرات را سخت‌تر می‌کند.

نکته کلیدی این است که حتی در صورت دستیابی به هر توافقی با آمریکا، اطمینان از اجرایی شدن تعهدات طرف آمریکایی همچنان به تردید جدی همراه است. هم سابقه بی‌اعتمادی به دولت آمریکا در دوره‌های گذشته وجود دارد و هم رفتار زیگزاگی و پیش‌بینی‌ناپذیر ترامپ، ریسک پایدی به توافقات را افزایش داده.

**[۴] با در نظر گرفتن رفتار غیرقابل پیش‌بینی دولت ترامپ اگر توافقی حاصل شود، ایران چگونه می‌تواند نسبت به اجرای کامل تعهدات آمریکا مطمئن باشد و چه راهکارهایی برای تضمین اجرا و جلوگیری از نقض احتمالی توافق باید در نظر بگیرد؟**

در مجموع، با در نظر گرفتن فضای دوگانه و پرتنش در

داخل ساختار سیاسی آمریکا و رفتار متغیر دولت ترامپ لازم است تیم مذاکره‌کننده ایران با هوشیاری و واقع‌بینی، مسیر گفت‌وگو را ادامه دهد و هرگونه تصمیمی را با لحاظ همه احتمالات اتخاذ کند. حتی در صورت رسیدن به توافق، بخشی از آمریکا به توافق پایبند نیست. در دوران اوباما نیز شاهد آن بودیم و در مورد ترامپ نیز شاهد آن هستیم. مشکل دیگر این‌که ترامپ به‌دلیل دگرگون شدن سیاست‌ها و رفتار زیگزاگی‌ای که دارد ممکن است بعد از توافق به آن پایبند نباشد. همانند توافق آتش‌بس غزه. این آتش‌بس منتسب به ترامپ بود اما به آن وفادار نماند.

**[۵] مذاکرات فنی و کارشناسی از روز چهارشنبه آغاز می‌شود به‌نظر شما چه چالش‌هایی در این زمینه می‌تواند مطرح باشد؟**

این دور از مذاکرات می‌تواند میزان جدیت طرف آمریکایی را تا حدی مشخص کند. البته بنده معتقدم روشن شدن کامل همه چیز به هفته آینده موکول نمی‌شود اما شاید فضای مذاکرات شفاف‌تر شود.

**[۶] با توجه به غیبت چین و روسیه در این دور از مذاکرات، پیش‌بینی شما درباره واکنش این کشورها چیست؟**

ایران روابط بسیار خوبی با روسیه و چین دارد و وزارت امور خارجه نیز در این زمینه عملکرد مطلوبی داشته. سفر اخیر وزیر خارجه به روسیه و دیدار معاونان ایشان با مقامات روسی و چینی این نکته را تأیید می‌کند. طبق خبرها قرار است وزیر خارجه به‌زودی سفری به چین داشته باشد.

به‌نظر می‌رسد این اقدامات دیپلماتیک برای جلوگیری از ایجاد شکاف میان ایران، روسیه و چین توسط آمریکا بسیار مؤثر بوده است. طرف غربی همواره تلاش می‌کند چنین القا کند که روسیه و چین، ایران را تنها خواهند گذاشت. جالب است‌که همین القانات از سوی غرب به چینی‌ها و روس‌ها نیز اعمال می‌شود. وقتی با چینی‌ها و روس‌ها صحبت می‌کنیم، آنها هم می‌گویند غرب چنین وانمود می‌کند که در مواقع حساس، ایران و چین با ایران و روسیه یکدیگر را ترک خواهند کرد.

بنابراین اقدامات وزارت خارجه کشور و تعاملاتش با روسیه و چین اقدام مناسبی است.

**[۷] علت غیبت اروپا در این دور از مذاکرات و عدم به‌رسمیت شناختن از سوی ترامپ چیست؟**

در زمینه اروپا نیز وضعیت پیچیده است. ترامپ اساساً اروپا را در مذاکرات به‌رسمیت نمی‌شناسد و اختلافات عمیقی میان کشورهای اروپایی وجود دارد که دلایل متعددی دارد. وزن سیاسی اروپا نیز به‌تدریج کاهش یافته و به‌واسطه عملکرد گذشته خود، جایگاه بین‌المللی خود را از دست داده؛ به‌طوری که حتی وقتی ایران تلاش کرد با اروپا تعامل جدی برقرار کند، گام عملیاتی قابل توجهی از سوی اروپا مشاهده نشد و همین امر باعث شد اروپا کمتر جدی گرفته شود.

**[۸] در مجموع چشم‌انداز شما از مذاکرات پیش‌رو چیست؟ با توجه به آنچه بیان شد، نمی‌توان فعلاً چشم‌انداز دقیقی از آینده مذاکرات آمریکا دید.**

چنان‌که مقام معظم رهبری و آقای دکتر عراقچی نیز تأکید کردند نه خوشبینی افراطی جایز است و نه بدبینی افراطی بلکه باید کشور مسیر خود را طی کند و دولت و وزارت امور خارجه نیز همزمان در تلاش برای دستیابی به راهکارهای مناسب هستند. نکته اساسی این است‌که وزن آمریکا در دنیا به‌دلیل جنگ تجاری، بحران اوکراین، حمایت از جنایات اسرائیل در فلسطین و شکاف‌های داخلی به‌طور جدی کاهش پیدا کرده و دیگر از قدرت سابق برخوردار نیست.



**در میان هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه طفیلی وجود دارد که تمایلی به موفقیت مذاکرات ندارند چراکه هزینه هرگونه پیروزی در مذاکرات را برای رقیب سیاسی خود بالا می‌بینند و بدین ترتیب مایلند ترامپ در تمام زمینه‌ها شکست بخورد**

**یادداشت**  
**شهاب‌الدین بنیان** | نویسنده و پژوهشگر

### آبرویی را ببریز!

یکی از راه‌های مهم مبارزه با فساد اقتصادی، ریختن آبروی مفسدان است. این کار، اگر بدون مماشات انجام پذیرد؛ به احیای قبح زایل شده مفاسد می‌انجامد و در مسیر آنان که مترصد تجاوز به بیت‌المال یا مردد در اجرایی‌کردن چنین قصد مجرمانه‌ای هستند، به لحاظ آثار و تبعات فراوان مرتب بر آن، موانع جدی به‌وجود می‌آورد. در ادامه مطلب، به مرور مواجهه عبرت‌آموزامیرمؤمنان (ع) با خیانت احدی از کارگزاران حکومتی می‌پردازیم. نکته حائز اهمیت در این روایت، میزان توجه و حساسیت اعجاب‌آور امام علی(ع) نسبت به امور نظارتی بازار مسلمین است. دقت مؤثری که به‌نظر می‌رسد معطوف به‌نگرش مردم‌محورانه اقتصاد علوی باشد و البته در نقطه مقابل افکار اقتصاد خوانان لیبرالی است که توسعه‌را حتی به قیمت شکستن استخوان‌های مستضعفان و ضعیف‌تر بار سنگین گرانی و تورم، جایز و بلکه لازم می‌دانند؛ مورد دیگر، مسئولیت محوری ناظران بازار اسلامی در مقابل اجحاف محتکران، گران‌فروشان، دلالان، قاچاقچیان و... به حقوق مردم است. متأسفانه در نظامات حقوقی ما، آنچنان که می‌طلبید، جایگاه مقتدرانه‌ای برای انجام این مأموریت اساسی، سامان نگرفته و عملکرد برخی نهادهای موضوع سخن، جای نقد اساسی دارد.

در کتاب میزان‌الحکمه، جلد ۲، صفحات ۲۲۰ و ۲۲۱، حدیث ۳۳۹۲، انشارات دار‌الحديث، به نقل از: دعائم الاسلام، جلد ۲، صفحات ۵۳۲ و ۵۳۳، آمده است:

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ اشْتَدَّ زِلْزَلَةً فَاتَّزَتْ كُتَابِي فَفَتَّحَ ابْنَ هَرَمَةَ عَنِ السُّوقِ، وَأَوْفَقَهُ لِلنَّاسِ وَاشْتَجَّهَ نَادِ عَلَيْهِ، وَاکْتُبَ إِلَى أَهْلِ عَمَلِكِ تَعْلِيمُهُمْ رَأْيِي فِيهِ، وَلَا تَأْخُذْكَ فِيهِ غَفْلَةٌ وَلَا تَقْرَظْ فَتَهْلِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَأَعْرُكَ أَخْبَثُ غَرْلَةٍ، وَأَعْيُكَ بَالَهُ مِنْ ذَلِكِ. فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ فَأَخْرِجْهُ مِنْ السُّبْحِ وَاضْرِبْهُ خَمْسَةَ وَثَلَاثِينَ سَوْطًا، وَطَفْ بِفِي الْأَسْوَاقِ، فَمَنْ أَتَى عَلَيْهِ بِشَاهِدٍ فَخَلِّفْهُ مَعَ شَاهِدِهِ، وَادْفَعْ إِلَيْهِ مِنْ مَكْتَسِبِهِ مَا شَهِدَ بِهِ عَلَيْهِ، وَمَنْ بَدَأَ إِلَى السُّبْحِ مَهَانًا مَقْبُوحًا مَتَّبِعْهُ، وَاحِزْمْ رَحْلِيهِ بِجَرَامٍ وَأَخْرِجْهُ وَقْتَ الصَّلَاةِ، وَلَا تَخُلْ تَبْنَةً وَبَيْنَ مَنِّ بَاتِيَةٍ بِمَعْلَمٍ أَوْ مَشْرِطٍ أَوْ مَلْسِيٍّ أَوْ مَفْرَشٍ. وَلَا تَدْعُ أَخْدَابِي دَخْلَ إِلَيْهِ

به مقاومت از این مذاکرات بهره تبلیغاتی ببرند و تیم آمریکایی با طرف ایرانی عکس بگیرند و چنین تبلیغ کنند که ایران را هم به‌هرحال پای میز مذاکره کشانديم، که ایران با اصرار برمذاکرات غیرمستقیم در این مرحله اجازه این بازی را به طرف مقابل نداد.

البته مستقیم یا غیرمستقیم بودن مذاکرات در بدو کار مهم بود و در ادامه چندان موضوعیتی ندارد و با توجه تفاهم اولیه روی برخی اصول در رم، مستقیم شدن مذاکرات در سطح فنی کارشناسی، امری ناگزیر است؛ چراکه مذاکرات فنی بسیار پیچیده و زمان‌بر است و در همین ارتباط می‌بینیم که اعلام شده هیات‌های کارشناسی دو طرف مذاکرات مستقیم را آغاز خواهند کرد تا بتوانند روی کلیاتی که دو هیات تصویب کردند، کار کنند.

به این ترتیب تا اینجای کار عملیات رسانه‌ای آمریکا موثر نبوده است و ایران براساس اصول و موازینی که خودش تعیین کرده و در راستای حفظ منافع و عزت ملی، کار را پیش برده است. با توجه به نیاز شدید دولت ترامپ به مذاکره و ایجاد یک دستاورد بزرگ و در صورتی که آمریکایی‌ها به همین مسیر ادامه دهند، افق توافق روشن‌تر می‌شود؛ هرچند در مجموع سوابق آمریکان‌شان می‌دهد که باید به همه مراحل توافق، از اجرا و نظارت گرفته تا پایبندی به تعهدات از سوی آمریکا، باید به دور از خوشبینی و ذوق‌زدگی نگاه کرد و خود را برای هر نوع عهد شکنی آنها آماده نگه داشت. لازم به تصریح نیست که ایران به‌رغم تمایل به دیپلماسی، هرگونه اقدام احتمالی رژیم صهیونیستی را با قاطعیت و بدون ملاحظه پاسخ خواهد داد و آمریکا باید بداند که نمی‌تواند با کارت تهدید اسرائیل، از ایران امتیاز خاصی کسب کند، بلکه استفاده از این کارت تنها اثری به‌شدت مخرب بر روند مذاکره خواهد داشت و علاوه بر ضربه فیزیکی ایران به عامل آمریکایی‌ها در منطقه، ضربه بسیار جدی حیثیتی به آمریکا خواهد خورد.

### عقب‌نشینی مرحله به مرحله آمریکایی‌ها

یکی از شگردهایی که آمریکایی‌ها معمولاً در مذاکرات دارند، این است که به موازات کاری که انجام می‌دهند، یعنی در پشت میز مذاکره، بنگاه‌های تبلیغاتی‌شان سعی می‌کنند با شانتاژ کردن و تبلیغات، مذاکرات را به سمتی هدایت کنند که منافع آنها را پیگیری و تأمین کند. در برجام هم می‌خواستند این کار را بکنند که البته باحضور جدی رسانه‌های ایران در مذاکرات، آثار این عملیات رسانه‌ای آمریکایی‌ها کمتر شد.

یکی از شگردهایی که ایران در این دوره از مذاکرات به کار برده، این است که اجازه نداد خبرنگاران به محیط داخلی مذاکرات دسترسی پیدا کنند اما بااین حال

خبرهایی که از هیات آمریکایی و محافل غربی درز کرده نشان می‌دهد آن چیزی را که نتوانسته‌اند از طریق میز مذاکره و تهدید به ایران حقنه و تحمیل کنند، سعی دارند از طریق تبلیغات رسانه‌ای، جا بیندازند در حالی

که این کار عملیاتی نیست به دلیل این‌که به‌هرحال ایران تجربه کار رسانه‌ای و مذاکراتی آمریکا در برجام با ما و در برخوردهای گذشته با ما و دیگران، ازجمله کره‌شمالی را دارد.

این در حالی است که شاهدیم آمریکا مرحله به مرحله در حال عقب‌نشینی است؛ از فضای تهدید و تعطیلی برنامه هسته‌ای و نظارت بر برنامه موشکی و مسائل منطقه‌ای در میز مذاکرات خبری نیست، ایران در این دوره اسیر شانتاژ تبلیغاتی آمریکا نشده و قاطعانه نحوه و موضوع مذاکرات را تعیین کرده است. آمریکا در مسیر عقب‌نشینی خود فعلاً به دنبال محدود کردن غنی‌سازی توسط ایران زیر ۵ درصد است و این درحالی است که ایران فعلاً همین موضوع را هم قبول نکرده است.

همچنین آمریکایی‌ها می‌خواستند برای ضربه زدن